

پیام رسانه‌ای

9 عناصر تشکیل دهنده آن در قرن آینده

حمدی الکنیسی
عضو هیئت امنای اتحادیه رادیو و تلویزیون مصر
ترجمه محمداعتضاد السلطنه

از طریق کانال‌های ماهواره‌ای چون سیل بر سر ما باریدن گرفته‌اند- مثبت ارزیابی می‌کنند؛ هرچند مخالف وجود جنبه‌های منفی آنها نیز نیستند. این جنبه‌های مثبت در

که عده‌ای آن را نبرد فکری و فرهنگی می‌نامند، آماده‌سازی می‌کند. البته برخی از نقطه‌نظرها این طرزتفکر را مردود دانسته و رسانه‌های مهاجم را- که

با وجود پیشرفت فناوری ارتباطات موضوع امنیت رسانه‌ای در صدر امنیت‌های دیگر از قبیل امنیت‌های سیاسی- فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته و می‌توان گفت که امنیت رسانه‌ای خود را به تمامی جوانب امنیتی داخلی و خارجی کشور تحمیل کرده است.

به همین سبب، طبعاً ارزش و اهمیت پیام رسانه‌ای به عناصر تشکیل دهنده آن در قرن آینده مرتبط است؛ همان عناصری که موکداً آن‌را برای به‌دوش گرفتن مسئولیت‌های سنگینی در مواجهه با آنچه

قالب مانده‌های فرهنگی و فکری برای بشریت خودنمایی می‌کنند و از سویی باعث شعله‌ور شدن میدان رقابت و بسیج نیروهای رسانه‌ای شده‌اند که در نتیجه آن سطح کارهای تولیدی و نمایشی و موسیقی به گونه‌ای بالا می‌رود که بتوانند شنوندگان و بینندگان خود را که بالطبع از هموطنان خود هستند حفظ کنند و مانع روی آوردن آنان به برنامه‌های وارداتی - که از سطح فنی خوبی برخوردارند - شوند.

اما جنبه‌های منفی آنان - که بسیار زیاد هم هستند - عبارتند از این که رسانه‌های مهاجم، هویت ملی و قومی هر ملتی را تهدید می‌کنند و باعث مسخ ارزش‌ها و فقدان حیات آنها می‌گردند، تا جایی که جایگزین دین، اخلاق، ارزش‌ها و عادات و رسومی می‌شوند که تشکیل دهنده هویت فرهنگی هر قومی هستند. شاید بهترین مثال برای مواجهه با این موج، عملکرد و برنامه‌ریزی کشور فرانسه در مقابل رسانه‌های امریکایی باشد.

بدون شک پیام رسانه‌ای مهم‌ترین ضلع از اضلاع سه گانه مثلث ارتباط (پیام - فرستنده - گیرنده) به شمار می‌آید که با توجه به انقلاب فناوری جدید، جایگاه و تأثیر ویژه‌ای را در ساخت و رسوخ ارزش‌ها به خود اختصاص داده است.

به کارگیری صحیح و درست از این پیام و این فناوری می‌تواند به رشد و استغنائی اصول و آداب و رسوم ما کمک کند، می‌تواند جوهره ذاتی دین ما را در نقش رشد و ساخت و استقرار جامعه بروز دهد و به فعالیت در جهت صلح و حمایت

از وطنمان کمک شایانی کند.

همچنین پیام رسانه‌ای وقتی اهمیت فراوان پیدا می‌کند که بدانیم بی‌سوادی در کشورهای عربی حدود ۴۷٪ از افراد ۱۵ سال به بالا را شامل می‌شود. این درصد خطرناکی است که نمی‌توان آنرا نادیده گرفت، زیرا هم‌میهن بی‌سواد بهترین شکار رسانه‌های مهاجم است، به خصوص هنگامی که بحث از غرایز و شهوت‌ها به میان بیاید.

لازم به ذکر نیست که پیام رسانه‌ای - که می‌خواهد به هدف‌های تعیین شده برسد - باید چارچوبی جذاب داشته‌باشد و از ویژگی‌های تنوع، سرعت اثرگذاری،

از این ویژگی‌ها خالی باشد.

این موضوع ما را به طراحی و برنامه‌ریزی برای یک آموزش صحیح و درست راهنمایی می‌کند؛ موضوعی که به - هیچ عنوان نباید از مدنظر دور شود. - موضع‌گیری ما نسبت به پخش مستقیم و زنده رسانه‌های مهاجم از سه حالت خارج نیست:

تحریم کامل و همه‌جانبه آنها پذیرش و آزادی کامل آنها

اجازه استفاده طبق ضوابط معین.

ما به تحقیق می‌دانیم که طبیعت امروز احتمال اول؛ یعنی «تحریم کامل» را رد می‌کند و امری محال به نظر می‌رسد. دوران

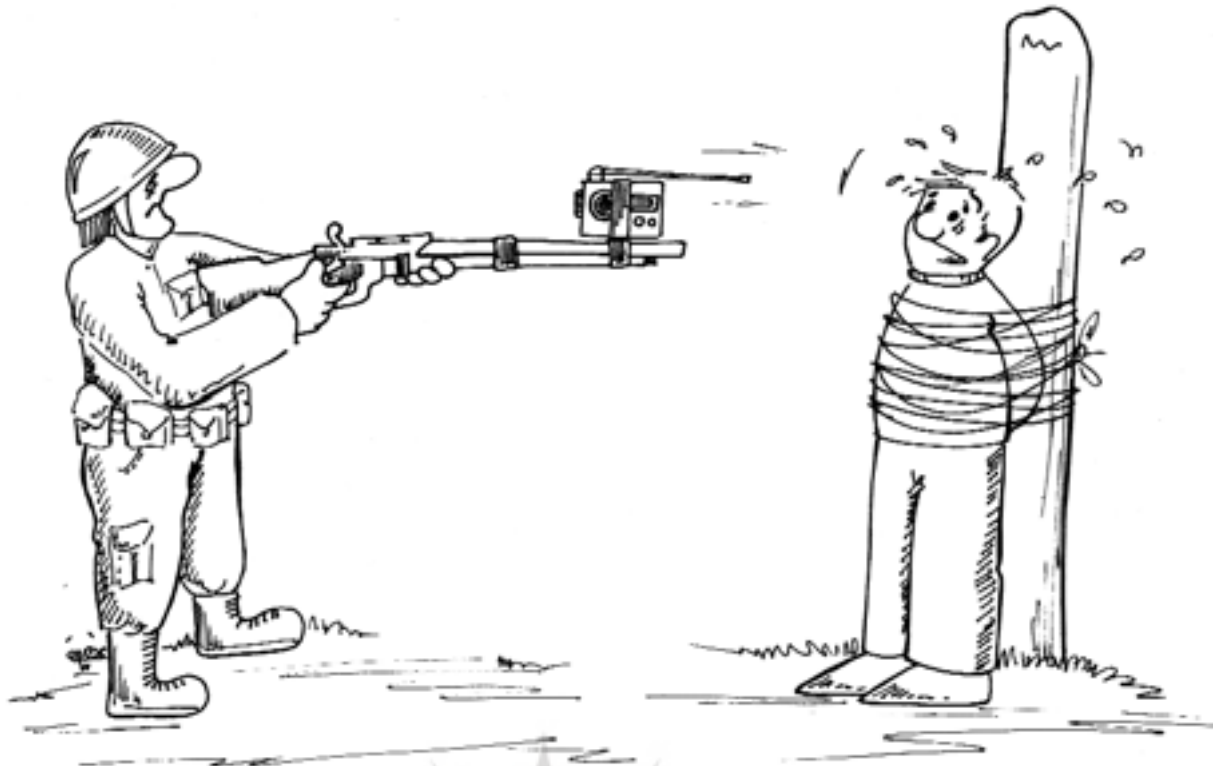
رسانه‌های مهاجم، هویت ملی و قومی هر ملتی را تهدید می‌کنند و باعث مسخ ارزش‌ها و فقدان حیات آنها می‌گردند، تا جایی که جایگزین دین، اخلاق، ارزش‌ها و عادات و رسومی می‌شوند که تشکیل دهنده هویت فرهنگی هر قومی هستند.

مشارکت بیننده و شنونده به‌طور زنده برخوردار باشد؛ علی‌الخصوص در برنامه‌هایی که به امور و مشکلات مستقیم مردم و ملت مربوط می‌شود و مسائلی که می‌توان با مشارکت دادن بینندگان و حتی دادن جایزه در قبال مشارکتشان سطح دانش عمومی و فرهنگ ملی را افزایش داد و این موضوع در مورد برنامه‌های دینی و فرهنگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و تأکید می‌شود که هیچ برنامه‌ای از این دست نباید

«پارازیت» و پوشش گذاشتن بر امواج مهاجمان سپری شده؛ کاری که قبلاً بر روی بسیاری از امواج رادیویی انجام می‌شد؛ به‌ویژه با پیشرفت‌های فناوری که باعث کوچک‌تر شدن آلات دریافت امواج می‌شود، به‌شکلی که امروزه تمامی تجهیزات در داخل یک تلویزیون وجود دارد و نیازی به تجهیزات جانبی نیست.

موضع دوم؛ یعنی آزادی کامل برای پیام‌های مهاجم، نیز امری است مردود که دلایل آن نیز به اختصار ذکر شد و همگان می‌دانند. پس تنها راه منطقی راه سوم است که پیش روی ما قرار دارد. اکنون باید متذکر شوم، قوانین و مقررات جهانی که آزادی تبادل اطلاعات را محدود می‌کند، چه در داخل و چه در پهنه بین‌المللی، همچنین مقررات ویژه‌ای که برای آزادی ارسال اطلاعات توسط ماهواره‌ها از سال

باید به مخاطب فرصتی داد تا مشکلات را به راحتی از رسانه بیان کند. این موضوع باعث به‌وجود آمدن پل‌های اعتماد بین مردم و دست‌اندرکاران رسانه می‌شود و در نتیجه تمایل مردم از روی آوردن به رسانه‌ای مهاجم از بین می‌رود.



هم‌میهن بی‌سواد بهترین شکار رسانه‌های مهاجم است، به خصوص هنگامی که بحث از غریز و شہوت‌ها به میان بیاید.

آنچه را که می‌پسندد یا علاقه دارد داده‌اید و او آزاد است برنامه تخصصی مورد علاقه‌اش یا موضوع محل مورد توجهش را انتخاب کند و ببیند.

به همین مناسبت لازم است موفقیت شبکه‌های استانی را یادآور شویم که اهمیت این مطلب را به اثبات رساندند، به‌ویژه هنگامی که دست‌اندرکاران آنها توانستند با پخش موضوع‌های بومی مورد توجه ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با مردم آن محل برقرار کنند.

در انتها به عنصر بی‌بدیل دیگری که می‌تواند با رسانه‌های مهاجم مقابله کند و امنیت رسانه‌ای ما را تضمین کند می‌پردازیم و آن عبارت است از زمینه‌سازی و ایجاد فضای مناسب برای بحث‌های آزاد. باید به مخاطب فرصتی داد تا مشکلات را به راحتی از رسانه بیان کند. این موضوع باعث به‌وجود آمدن پل‌های اعتماد بین مردم و دست‌اندرکاران رسانه می‌شود و در نتیجه تمایل مردم از روی آوردن به رسانه‌ای مهاجم از بین می‌رود.



محورهای برنامه، دیدگاه‌های عربی در آن به‌کار رفته باشد.

ملت عرب از لحاظ امکانات فناوری و رسانه‌ای در حدی است که می‌تواند در این میدان وارد شود و خود برنامه‌هایی را تولید کند و هنگامی که امکانات مادی و غیرمادی در کنار هم جمع شوند، می‌توانند به خلق آثار بسیار جذاب تولیدی و نمایشی بینجامند. لذا باید از فرصت موجود بین کشورهای عربی در جهت تبادل تولیدات استفاده کرد، به‌ویژه که اتحادیه رادیوهای عربی امکان تبادل فوری و سریع را فراهم آورده است.

از سوی دیگر باید به دو موضوع مهم دیگر؛ یعنی «انتخاب و تخصص» که به‌عنوان نشانه‌های عصری است که در آن زندگی می‌کنیم، پردازیم. توجه به این دو امر مهم باعث می‌شود شبکه‌های جدیدی به‌وجود آیند. شبکه‌های تخصصی در موضوعی خاص و شبکه‌های استانی و همگی در کنار شبکه‌های اصلی و ملی به پخش برنامه‌های خود اقدام کنند، در این صورت شما به بیننده امکان انتخاب

۱۹۷۲ توسط یونسکو اعلام شده، دو سال است که دیگر عمل نمی‌شود و با ارسال بی‌ضابطه امواج تلویزیونی ماهواره‌ای از بیخ و بن برکنده شده است. برنامه‌ها و نقشه‌های اسرائیل برای بهره‌برداری از ماهواره‌هایی که تل‌آویو به فضا ارسال کرده و در جهت پخش آنچه که به کمک سیاست‌هایش می‌آید و از آنها استفاده می‌کند بر هیچ کس پوشیده نیست.

بنابراین مقررات مطلوبی که باعث قبول موضع سوم می‌شود باید از خود ما شروع شود.

اولا ما باید برنامه‌های تولیدی و نمایشی خارجی را که با فکر و اهداف ما تعارضی ندارند، انتخاب کنیم و در کنار تولیدات داخلی خود پخش نماییم. این کار برای رسیدن به هدف فرهنگی معین به‌کار می‌رود. همچنین برای آن که از سیاست تحریم و منفی - که رغبت بیشتر برای جستجو در بیننده ایجاد می‌کند- پرهیزیم باید از تنه‌راهی که هیچ جایگزینی برای آن نیست تبعیت کنیم و آن تولید برنامه‌های مشترکی است که به‌عنوان محوری از